



## دریچه‌ای به تاریخ‌نگاری معاصر ایران

● جواد مرشدلو

■ گستره تاریخ گفت‌وگوهایی با تاریخ‌نگاران ایران  
■ مسعود رضوی  
■ تهران، انتشارات هرمس؛ مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی  
تمدن‌ها، چاپ نخست: ۱۳۸۳

مورد تنها گفت‌وگویی است که ویژگی‌های تاریخ‌نویسی پرسش‌شونده را بیشتر مورد توجه قرار داده است. ایشان در عین وارد دانستن برخی انتقادات بر شیوه خاص تاریخ‌نویسی خود، ادعاهای مربوط به امکان کاربست روش علمی در تاریخ‌نگاری را نیز به چالش کشیده است. استاد همچنین اسطوره‌ها و افسانه‌ها را از لوازم و مواد اصلی تاریخ‌نگاری دانسته است. در گفت‌وگویی بعدی با مرحوم دکتر عبدالحسین نوایی، مسأله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی در ایران و فراز و فرود تاریخی آن مورد بحث قرار گرفته است. از این رو در طرح پرسش‌ها تأکید بر آن بوده است تا به علل و عوامل ضعف و قوت تاریخ‌نویسی در ایران و جایگاه تاریخ‌نویسی معاصر در این عرصه پاسخ گفته شود. دکتر نوایی بر اهمیت تاریخ و جایگاه آن در زمینه شناخت و پاسداشت فرهنگ و هویت ایرانی تأکید ورزیده و نظام آموزشی و شیوه‌های برخورد با مسائل تاریخ در ایران را دچار کاستی و شایسته توجه بیشتر ارزیابی کرده است. در گفت‌وگویی سوم نیز مرحوم دکتر عباس زریاب خوبی مسائلی چون سرچشمه‌های تاریخ‌نگاری در ایران، جایگاه کتیبه‌ها و اسطوره‌ها در این عرصه و تحول تاریخ‌نویسی در ایران از قرون نخست هجری تا دوره صفوی را مورد توجه قرار داده است. در این میان تأکید ویژه‌ای هم بر جایگاه طبری و بیهقی در عرصه تاریخ‌نویسی ایران رفته است. ایشان سرآغاز تاریخ‌نگاری یک ملت را ظهور جهانی آن ملت دانسته و نگارش کتیبه‌هایی چون بیستون را شاهد این ادعا در ایران برشمرده است. به نظر ایشان حماسه‌ها و اسطوره‌ها از آن جهت که حاوی حقایقی درباره چگونگی شکل‌گیری تمدن‌ها هستند، درخور توجه‌اند و از این منظر برای شناخت تاریخ ایران شناخت خدای‌نامه‌ها و شاهنامه‌ها اهمیت زیادی دارد. ضمن این

از جمله حوزه‌هایی که در زمینه طرح مباحث تاریخ و تاریخ‌نگاری تا به حال کمتر مورد توجه محققان ایرانی قرار گرفته است، گفت‌وگو با صاحب‌نظران این حوزه است. بدون شک اگر گفت‌وگو در چهارچوبی معین، نظام‌مند و البته هدفمند انجام گیرد، علاوه بر طرح دیدگاه‌های صاحب‌نظران، می‌تواند چشم‌اندازهای نوینی را در برابر پژوهشگران و علاقه‌مندان یک حوزه مطالعاتی قرار دهد. به نظر می‌رسد کتاب گستره تاریخ نیز چنین هدفی را مدنظر داشته است. این کتاب مجموعه هیجده گفت‌وگو و سه میزگرد است که با حضور مورخان بنام و صاحب‌نظر کشورمان و به همت مسعود رضوی و همکاران ایشان در طول سال‌های اخیر گردآوری و در هیأت یک کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. مؤلف تلاش کرده است این گفت‌وگوها را در سه بخش عمده تنظیم کند. بخش نخست با عنوان «روزنه‌ای به تاریخ» مسائل کلی تاریخ و تاریخ‌نگاری در ایران را به عنوان موضوع اصلی پرسش‌ها و مباحثات کانون توجه خود قرار داده است. در بخش دوم با عنوان «تاریخ معاصر ایران» نیز همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، مباحث و گفت‌وگوها بر محور مسائل تاریخ معاصر ایران متمرکز شده است و در بخش سوم با عنوان «افق‌های تاریخ اسلام» به مباحث و مسائل این حوزه از تاریخ پرداخته شده است. سرآغاز بخش نخست که دربرگیرنده هفت گفت‌وگو است، صحبتی است با استاد ارجمند، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی. در این گفت‌وگو استاد باستانی با توجه به پرسش‌های طرح شده، چند نکته را مورد توجه قرار داده است که عبارتند از تعریف علم تاریخ، شیوه خاص تاریخ‌نگاری خود و مسائل تاریخ‌نگاری معاصر و آموزش تاریخ در ایران. در مقایسه با گفت‌وگوهای بعدی، این

در دوره بعد از اسلام، تاریخ‌نویسانی چون  
طبری و بیهقی از این منظر که نگاه جهانی  
داشتند آثار بزرگ‌تری بر جای نهادند  
و ظهور سلجوقیان که ایرانی‌ها با آنان  
بیگانه بودند از جمله علل اصلی افول تاریخ  
نویسی در این دوره بود

دستی دارد، معتقد است که آشنایی با این حوزه‌های فرهنگی کمک زیادی به درک بهتر و کشف مفاهیم نقش‌ها کرده است. با این وجود، گفت‌وگو به همین مسائل محدود شده است و مسأله مهمی چون روش علمی استفاده از این نقوش برای شناخت گذشته تاریخی ایرانیان چندان مورد توجه قرار نگرفته است. گفت‌وگو با دکتر ناصر تکمیل همایون، با عنوان «سپیده دم تاریخ‌نگاری در ایران» بار دیگر موضوع بحث را به خاستگاه تاریخ‌نگاری و کم و کیف تاریخ‌نگاری در ایران باستان کشانده است. سؤال اصلی مطرح در این گفتگو، مواد و مصالح موجود برای پژوهش در تاریخ ایران پیش از اسلام است. دکتر تکمیل همایون دوره باستان تاریخ ایران را دربرگیرنده عصری می‌داند که با ظهور نخستین نشانه‌های حیات انسان در این سرزمین آغاز شده و تا کشته شدن یزدگرد سوم در مرو به طول انجامیده است. بر این اساس، به زعم ایشان مواد و مصالح لازم و موجود برای شناخت این دوره نیز متفاوت است و شامل آثار تمدنی موجود در ماندگاه‌هایی چون سیلک، شوش و تپه زاغه تا اسطوره‌ها، ادبیات شفاهی پیش از اسلام، خدای نامک‌ها و آثار تاریخ‌نویسان یونانی، رومی، چینی، هندی، ارمنی و مسلمان و نیز آثار سغدی، کتیبه‌های آسیای مرکزی، آثار بودایی و مانوی و غیره است. تکمیل همایون در عین حال اهمیت شاخه‌های مطالعاتی غیرتاریخ، نظیر مردم‌شناسی تاریخی، قوم‌شناسی فرهنگی، اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی را نیز برای شناخت این دوره از تاریخ ایران مورد تأکید قرار داده است. واپسین گفت‌وگوی بخش اول، به مصاحبه با عبدالله شهبازی و طرح دیدگاه‌های وی در باب جایگاه تاریخ، تاریخ‌نگاری و آموزش تاریخ در ایران، اختصاص یافته است. گرچه در این گفت‌وگو تلاش شده است به نظریه‌های عمده در تاریخ‌نگاری معاصر ایران پرداخته شود و البته شهبازی نیز دیدگاه‌های مختلفی را در این زمینه به بحث گذاشته است، اما عمده پرسش و پاسخ‌ها بر محور نظرگاه و روش خاص شهبازی به‌ویژه در اثر جدید و برجسته ایشان با عنوان زرسالاران یهودی و پارسی متمرکز شده است. شهبازی نخست با نقل قولی از مکاولی، معتقد است که تاریخ از منظر تأییری که بر آینده ما دارد و کاربردی که می‌تواند در تعیین خط و مشی آتی جامعه بگذارد، باید مورد توجه قرار بگیرد. به نظر ایشان مفاهیم والگوهایی

که در دوره بعد از اسلام، تاریخ‌نویسانی چون طبری و بیهقی از این منظر که نگاه جهانی داشتند آثار بزرگ‌تری بر جای نهادند و ظهور سلجوقیان که ایرانی‌ها با آنان بیگانه بودند از جمله علل اصلی افول تاریخ‌نویسی در این دوره بود. ظهور مغولان و تیموریان که دولت‌های جهانی بنیاد نهادند و بعداً صفویه که پدیده‌های جدید و متفاوت در تاریخ ایران بعد از اسلام بود زمینه رونق دوباره تاریخ‌نویسی را فراهم کرد. در گفت‌وگوی چهارم با استاد عبدالحسین حائری، با توجه به زمینه تخصص ایشان یعنی نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی، محور بحث جایگاه نسخ خطی در عرصه تاریخ‌نویسی و وضع کنونی فهرست‌نویسی نسخ برگزیده شده است. استاد حائری در پاسخ به پرسش‌ها بر این نکته تأکید زیادی ورزیده است که با توجه به ذخیره گران سنگ و قابل توجه نسخ خطی که در کتابخانه‌های مختلف ایران نگهداری می‌شود و بدون شک چنین ثروتی در شناخت هویت فرهنگی و تاریخی این سرزمین اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد، شایسته است توجه بیشتری به شناخت و معرفی این نسخه‌ها مبذول شود. وی در این زمینه، برای نمونه سرنوشت تاریخ علم در ایران را مثال می‌آورد که عدم شناخت شایسته نسخ خطی دانشمندان و مؤلفان مسلمان ایرانی، سبب شده است بیگانگان تاریخ علم ما را به نادرست «تاریخ علم عرب» معرفی کنند. وی وضع فعلی فهرست‌نویسی و شناخت و معرفی نسخ خطی در ایران را نامطلوب می‌داند و معتقد است که معرفی این نسخ به نحو شایسته نیازمند حضور متخصصان علاقه‌مند و کارکشته‌ای است که از مبانی و زمینه نگارش نسخه‌ها آگاهی و شناخت کافی داشته باشند. گفت‌وگوی بعدی به موضوع نسبتاً جدید و متفاوتی پرداخته است و آن جایگاه مطالعات میدانی و کشف و کاوش‌های باستان‌شناختی در فهم تاریخ است. این گفت‌وگو که با دکتر مرتضی فرهادی و بر محور اثر ممتاز وی با عنوان «موزه‌هایی در باد» انجام پذیرفته است، از این منظر که دریچه نسبتاً جدیدی را به مطالعات تاریخی و انسان‌شناختی که دست‌کم در ایران غالباً مغفول واقع شده است، می‌گشاید، دارای اهمیت ویژه‌ای است. اثر یاد شده حاصل سال‌ها کوشش و تأمل مؤلف در نقش‌ها و کنده‌کاری‌های موجود بر دیواره‌های سنگی نقاط مختلف ایران بوده است. دکتر فرهادی که علاوه بر پژوهش بر روی این نقش و نمادها در نقاشی، ادبیات و هنر هم

یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری نگرش توطئه‌ای به تاریخ، ناآگاهی و در بهترین حالت درک ناقص و نادرست سرچشمه‌ها و علل اصلی واقعیت‌های تاریخی است و در این میان غفلت تاریخی ایرانیان از شناخت عالمانه و درست غرب در تمامیت آن، از مهم‌ترین علل این مسأله به‌شمار می‌رود

زمینه‌های بروز تحولات جدید در ایران است. در این گفتگو احرار سابقه شکل‌گیری چنین تحولاتی را به دوره صفوی ارجاع داده و معتقد است که آشنایی ایرانیان با اروپا و تحولات آن در این زمینه نقش اساسی داشته است. احرار معتقد است که صرفاً صفویان با توجه به اقتدار و اعتماد به نفسی که داشتند، واکنشی نسبتاً فعال به تأثیرات ناشی از غرب نشان دادند؛ اما با افول اقتدار ایشان در سال‌های پایانی این دوره و بروز اغتشاشات در سال‌های بعد، این واکنش رنگ منفعلانه به خود پذیرفت. احرار نیز همچون بسیاری دیگر از صاحب‌نظران، شاهان قاجاری را به سستی و غفلت در برابر تحولات غرب محکوم می‌کند و نقش امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار را در شکل‌گیری برخی اصلاحات در دوره قاجار برجسته می‌نماید. در میزگرد نخست این بخش، با عنوان «علل پیدایش مشروطیت در ایران» با حضور صاحب‌نظرانی چون مرحوم نوایی، دکتر سهراب یزدانی و دکتر ایرج ذوقی به موضوع یاد شده پرداخته شده است. در این میان، نوایی نقش آشنایی طیفی از روشنفکران با اروپا و تحولات آن را، که از سال‌های نخست حکومت قاجاری به بعد از رهگذر ارتباط با غرب کسب شده بود، در فراهم آمدن زمینه اعتراض، مهم ارزیابی نموده است. یزدانی با تقسیم‌بندی عوامل به ساختاری و عملکردی، تلاش کرده است عوامل بیشتری را در این زمینه ارزیابی کند. ایشان خصوصاً بر تحولات ساختاری، که به دنبال گسترش دامنه نفوذ تمدن غرب در جهان از قرن نوزدهم به بعد بر اقتصاد و جامعه ایرانی تحمیل شد، تأکید می‌کند. ذوقی نیز معتقد است که علل اساسی در بروز انقلاب مشروطه را باید در اهداف انقلابی‌ها جستجو کرد که مبارزه با استبداد و استعمار در رأس آن‌ها بود. در میزگرد دوم این بخش، با عنوان «اندیشه‌ها و مبارزات مدرس» و با حضور صاحب‌نظرانی چون استاد عبدالحسین حائری، دکتر علی مدرس و محمد ترکمان، تلاش شده است ابعاد شخصیت و حیات سیاسی این چهره تاریخ معاصر ایران و جایگاه وی در عرصه تحولات روزگار خویش مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. شرکت‌کنندگان این میزگرد هریک به اقتضای شناختی که از رهگذر بررسی و مطالعه اسناد و مدارک مربوط به زندگی مدرس، از شخصیت و مقام تاریخی وی کسب نموده اند تلاش کرده‌اند تا سیمای

تاریخی، نقش اساسی در شکل‌گیری اندیشه و سیاست معاصر دارد و از این رو شایسته عنایتی ویژه است. شهبازی نگاه کاربردی را به تاریخ به ویژه در زمینه مسائل مربوط به توسعه بسیار مهم، و تجربه‌های تاریخی را راهگشای برخی مسائل امروزی جامعه می‌داند. اما بخش اعظم و جالب توجه گفت‌وگو به نقد نگرش‌های رایج در باب «نظریه توطئه» و جایگاه آن در فهم تاریخ معاصر اختصاص یافته است. این بخش از این جهت قابل توجه است که شهبازی خود معتقد به کارایی چنین رویکردی در فهم و درک مسائل تاریخ معاصر و البته امتیاز و اختلاف توطئه و توهم است. از این منظر، شهبازی ابتدا به یک بررسی فشرده از دیدگاه‌های رایج در این باب و نقد این دیدگاه‌ها و سپس به طرح دیدگاه خود دفاع از آن می‌پردازد. وی معتقد است که در فهم این مطلب، برخی بدفهمی‌ها صورت پذیرفته است و آنچه در پژوهش‌های وی مورد توجه قرار گرفته است، نه نگاه وهم آلود و دون کیشوت‌وار به واقعیت‌های تاریخی، بلکه طرح رویکردی کارا برای فهم دقیق و عمیق این پدیده‌ها بوده است. به باور وی، یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری نگرش توطئه‌ای به تاریخ، ناآگاهی و در بهترین حالت درک ناقص و نادرست سرچشمه‌ها و علل اصلی واقعیت‌های تاریخی است و در این میان غفلت تاریخی ایرانیان از شناخت عالمانه و درست غرب در تمامیت آن، از مهم‌ترین علل این مسأله به‌شمار می‌رود. چراکه بسیاری از مسائلی که ایرانیان در دوره معاصر دچار آن بوده‌اند، نظیر استعمار و امپریالیسم در واقع خاستگاهی غربی داشته‌اند. از این رو شهبازی معتقد است که راه درست شناخت غرب، تلاش در جهت کاربست نگاهی خردگرایانه و قابل نقد و سنجش و منطقی به دنیای پیرامون و به خصوص غرب و پرهیز از نگرش‌های توهم‌آمیز و کلی‌گرایی است.

بخش دوم در برگیرنده چهار گفتگو و دو میزگرد است، بر روی موضوع تحولات تاریخ معاصر ایران متمرکز شده است. موضوع نخستین گفت‌وگو با مرحوم دکتر عبدالهادی حائری، زمینه‌های بروز جنبش مشروطه‌خواهی، نقش علما و روشنفکران و نگرش‌های علمای برجسته‌ای چون شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله نائینی در باب نظام مشروطه است. در گفت‌وگوی دوم که با مرحوم دکتر شیخ‌الاسلامی انجام شده است، نیز همین موضوع از زاویه‌ای دیگر به بحث گذاشته شده است. ایشان زمینه شکل‌گیری انقلاب مشروطیت را در ده سال آخر حکومت ناصرالدین شاه جستجو کرده و معتقد است که ضعف مظفرالدین شاه در برخورد با مسائل پیش‌آمده از عوامل مهم موفقیت انقلابی‌ها بوده است. در این گفت‌وگو در عین حال نقش مؤسساتی چون دارالفنون، عوامل خارجی از جمله تحولات روسیه، مسأله تحصن در سفارت انگلستان و حادثه به توپ بستن مجلس و برخی مسائل دیگر نیز به بحث گذاشته شده است. در گفت‌وگوی بعدی با احمداحرار، موضوع اصلی بحث

در همان آغاز سخن تأکید می‌کند  
که فروکاستن زمینه ظهور ادیان  
به بستر تاریخی شکل‌گیری آن‌ها  
و به اصطلاح سکولاریزه کردن  
چنین پدیده‌ای، نمی‌تواند به  
شناخت کامل آن بیانجامد

شفاف‌تری از مدرس به دست دهند. اما آخرین گفت‌وگوی این بخش نیز به مصاحبه نسبتاً مفصلی با عبدالله شهبازی اختصاص یافته است که با عنوان «نقش پنهان انگلیس در دوکودتای بررسی نقش سرویس جاسوسی انگلستان در جریان دوکودتای اسفند ۱۲۹۹ و مرداد ۱۳۳۲ که مورد نخست به روی کار آمدن پهلوی‌ها و دومی به تحکیم قدرت آن‌ها انجامید، می‌پردازد. این گفت‌وگو خصوصاً از آن جهت قابل توجه است که اولاً شهبازی تلاش کرده است به گونه‌ای مستند، نقش اردشیرجی ریپورتر و پسرش شاپورجی ریپورتر را به‌عنوان عوامل اصلی اینتلجنت سرویس در جریان دو کودتای یادشده بررسی کند. دیگر آن که، با توجه به نظرگاه ایشان در باب «نظریه توطئه» که در بخش نخست کتاب نیز به آن اشاره شد، برداشتی از این نظرگاه را به خواننده منتقل می‌کند. در واقع باور شهبازی آن است که اعتقاد ایرانی‌ها به دخالت انگلیسی‌ها در روی کار آمدن رضاخان که از جانب بخشی از صاحب‌نظران به توطئه‌باوری ایرانی منتسب شده است، بی پایه نیست و در صورت بررسی دقیق‌تر اسناد، می‌توان به درک بهتری از آن دست یافت.

آخرین بخش این گفت‌وگوها با عنوان «افق‌های تاریخ اسلام»، دربرگیرنده مباحث و گفت‌وگوهایی است که مسائل مرتبط با تاریخ اسلام و تاریخ‌نگاری این حوزه را به‌عنوان موضوع اصلی برگزیده‌اند. این بخش نیز در برگزیده هفت گفت‌وگو و یک میزگرد با حضور استادان برجسته و صاحب نام این حوزه از تاریخ است. در نخستین گفت‌وگو از این بخش با مرحوم زریاب‌خویی، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی بعثت پیامبر موضوع بحث قرار گرفته است. در این گفت‌وگو استاد زریاب ضمن تأیید این نکته که تمامی حوادث مهم تاریخی در یک بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته و درک بهتر آن‌ها نیازمند شناخت چنین بسترهایی است، در همان آغاز سخن تأکید می‌کند که فروکاستن زمینه ظهور ادیان به بستر تاریخی شکل‌گیری آن‌ها و به اصطلاح سکولاریزه کردن چنین پدیده‌ای، نمی‌تواند به شناخت کامل آن بیانجامد. با این مقدمه، در ادامه گفت‌وگو تلاش شده است تا این نکته به خواننده انتقال یابد که در مطالعه تاریخ ظهور و گسترش دین اسلام، در همان حال که عطف نظر به بستر تاریخی - اجتماعی آن ضروری است،

غفلت از ویژگی‌های ممتاز دین اسلام و وجوه الهی و معنوی آن و البته شخص پیامبر، مانع از درک شایسته این پدیده تاریخی خواهد شد. در گفت‌وگوی بعدی، دکتر سیدجعفر شهیدی، استاد فقید تاریخ اسلام، مسأله تاریخ‌نگاری در اسلام و نقاط ضعف و قوت آن را مورد اعتنا قرار داده است. دکتر شهیدی نخست به برشمردن وجوه اهمیت بررسی تاریخ اسلام خصوصاً در ایران پرداخته است، سپس با اشاره به ضعف‌های موجود در این زمینه و برخی غرض‌ورزی‌هایی که در مطالعات پیشین در بررسی تاریخ اسلام رایج بوده و مانع از نگارش درست و محققانه این حوزه شده است، تأکید می‌کند که لازم و بایسته است تاریخ اسلام از نو نوشته شود. در ادامه نیز، برخی دشواری‌های موجود بر سر راه تألیف تاریخ سال‌های نخستین ظهور اسلام مورد توجه واقع شده است. در گفت‌وگوی بعدی این بخش، که با دکتر سیدمحمدتقی صورت پذیرفته است، موضوع جامعه‌شناسی عصر نزول وحی مورد بررسی قرار گرفته است. در این گفت‌وگو، دکتر تفتی تلاش کرده است با ترسیم سیمایی از زمینه تاریخی - اجتماعی، جامعه عربی که پیامبر اسلام از میان ایشان مبعوث گشت و مناسبات اجتماعی حاکم بر این جامعه، جایگاه تاریخی پیامبر و دین اسلام را در جریان تحوّل جامعه قبایلی عرب پیش از اسلام به امت اسلامی مورد تأکید قرار دهد. در این بحث همچنین مسائل دیگری از جمله واکنش قریش و دیگر اعراب به بعثت پیامبر و علل و عوامل آن مورد بررسی قرار بگیرد. گفت‌وگوی چهارم این بخش نیز با عنوان «شهر پیامبر» که با دکتر حسین قره چانلو، استاد الهیات دانشگاه تهران انجام شده است، پیشینه تاریخی مدینه‌النبی و گزارش‌های مربوط به تاریخ آن، چه در دوره پیش از ظهور اسلام و چه پس از استقرار اسلام و تبدیل آن شهر به پایگاه اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. در تنها میزگرد، این بخش با حضور استاد محمدجواد مشکور، دکتر عبدالله نورانی و دکتر هادی عالم‌زاده تأکید اصلی بحث بر محور عناصر بنیادی فرهنگ و تمدن اسلام زمان پیامبر قرار گرفته است. در این میزگرد، با توجه به اهمیت تحولاتی که در پی بعثت پیامبر و گسترش اسلام در شبه جزیره عربستان و بعداً فراتر از این شبه جزیره رخ داد؛ در ابتدا زمینه تاریخی و شرایط عمومی حاکم بر شبه جزیره و به‌ویژه مکه در آستانه بعثت پیامبر مورد بررسی قرار گرفته، آن‌گاه به علل اصلی گسترش اسلام به عنوان آیینی توحیدی چه در محدوده شبه جزیره و چه در سرزمین‌هایی چون ایران پرداخته شده است. موضوع تحوّل مناسبات اجتماعی حاکم بر اعراب به ویژه در مدینه که پایگاه گسترش اسلام بود، نکته‌ی جالب دیگری است که خصوصاً دکتر عالم‌زاده در این میزگرد به آن پرداخته است. گفت‌وگوی پنجم این بخش، با عنوان «ریشه‌های تحولات در عصر خلافت امام علی(ع)» موضوع تحولات بحث برانگیزی است که در پی رحلت پیامبر به ویژه در دهه‌های نخستین این دوره رخ داد،

تدوین‌گران این مجموعه، در ترسیم یک سیمای کلی از برداشت‌های رایج مربوط به وضعیت حاکم بر مطالعات تاریخی در حوزه‌های یادشده در ایران موفق بوده‌اند. ضمن این‌که گردآوری دیدگاه‌های صاحب‌نظران مذکور که به نسل‌های مختلف پژوهشگران تاریخ ایران و اسلام تعلق دارند در یک مجموعه و قرار دادن آن در اختیار مخاطبان علاقه‌مند کاری شایسته تقدیر است

فضایل شخصیتی امام علی (ع) را برشمرده است و سپس اهمیت شرح این ابی‌الحدید را مورد توجه قرار داده است. در ادامه نیز معرفی بسنده‌ای از نویسندگان شرح و خاندان وی و نیز عقایدش به دست داده است.

در یک ارزیابی کلی و فشرده از کتاب گستره تاریخ، می‌توان گفت تدوین‌گران این مجموعه، در ترسیم یک سیمای کلی از برداشت‌های رایج مربوط به وضعیت حاکم بر مطالعات تاریخی در حوزه‌های یادشده در ایران موفق بوده‌اند. ضمن این‌که گردآوری دیدگاه‌های صاحب‌نظران مذکور که به نسل‌های مختلف پژوهشگران تاریخ ایران و اسلام تعلق دارند در یک مجموعه و قرار دادن آن در اختیار مخاطبان علاقه‌مند کاری شایسته تقدیر است. محتوای این گفت‌وگوها در کنار اطلاعات ارزشمندی که در اختیار خواننده قرار می‌دهد، نشانگر نگرش‌های رایج در عرصه مطالعات تاریخ در ایران نیز هست. به عبارت دیگر خواننده این کتاب با تعمق در پاسخ‌هایی که دانشوران مذکور به پرسش‌های مطرح داده‌اند، می‌تواند به درکی از تحول احتمالی نوع نگرش مورخان ایرانی در تحلیل رخداد‌های تاریخی و پیامدهای آن‌ها دست یابد. برای نمونه تحلیل‌های ارائه شده در باب زمینه ظهور انقلاب مشروطیت و یا پرداختن به نقش چهره‌های تاریخی نشان می‌دهد که نگرشی که نقش افراد را در بروز تحولات و یا جلوگیری از بروز آن پراهمیت می‌داند، در فضای مطالعات تاریخی کشورمان همچنان غالب است. از طرف دیگر خواننده کتاب با ارزیابی نظرات دانشوران یادشده، به‌ویژه نسل جدید مورخان، می‌تواند شاهد بروز چشم‌اندازهای نوینی در عرصه‌ی این مطالعات، باشد. این نکته نیز درخور توجه است که وضعیت مطالعات تاریخ غرب در ایران در این گفتگوها نیز نادیده گرفته شده است و این امر می‌تواند تابعی از وضعیت عمومی که این بخش از مطالعات تاریخی علی‌رغم اهمیت آن در ایران دچار است، قلمداد گردد. صرفاً آقای شهبازی اشاره‌ای به نیاز جدی ایرانی‌ها به شناخت علمی و درست تاریخ غرب نموده است و باقی صاحب‌نظران تنها به ذکر تأثیر تحولات غرب بر ایران بسنده نموده‌اند. بد نیست در اقداماتی از این دست، که چه بسا در آینده مورد توجه قرار گیرد، این مسأله نیز مورد عنایت محققان قرار گیرد. نهایتاً با در نظر گرفتن مطالب مختلف کتاب، باید گفت عنوان کتاب می‌تواند معرف شایسته آن باشد. ضمن این‌که اقدام مؤلف در افزودن پیش‌گفتارها و معرفی مفید صاحب‌نظران یادشده مزیت دیگر این کتاب است.

دکتر سعید رضوی فقیه در این گفت‌وگو از دریچه‌ای نسبتاً بدیع زمینه بروز رخداد‌های این دوره را با تأکید بر جایگاه امام علی (ع) و خلفای سه‌گانه در عرصه این تحولات بررسی می‌کند. تحلیلی که وی از نقش مقاومت خاندان اموی در برابر انتقال سیادت و قدرت به بنی‌هاشم، چه در بدو ظهور و گسترش اسلام و چه در جریان جانشینی پیامبر در بروز مسائل و رخداد‌های پیش آمده دارد، به این گفت‌وگو جذابیت خاصی بخشیده است. رضوی فقیه با برشمردن وجوه مختلف ساختار اجتماعی نظام قبایلی اعراب و ردیابی علل اصلی بروز اختلافات پس از رحلت پیامبر و رجعت دوباره اعراب به همان سنن قبایلی اعراب جاهلی، خصوصاً در جریان فتوح، تلاش داده است نشان دهد که غلبه عنصر اموی در این دوره به نوعی باعث انحراف اسلام از مسیر اولیه خود انجامید و کسانی چون امام علی (ع) در واقع حافظان اسلام واقعی بودند که بعد از پیامبر، مغلوب سنن قبایلی و قوم‌گرایی عربی به شکلی دیگر شده بود. برداشتی هم که وی از رخداد‌هایی چون قتل خلیفه دوم، جنگ جمل و نقش عایشه، واقعه حکمیت و نقش ابوموسی اشعری به دست می‌دهد، قابل توجه است. در گفت‌وگوی بعدی، عبدالمجید معادپنجاه موضوع وضعیت تاریخ نگاری اسلام را در ایران مورد توجه قرار می‌دهد و مطالب جالبی را در این زمینه به بحث می‌گذارد. وی با انتقاد از فقدان همتی بلند و پشتوانه لازم برای ایجاد بستری مناسب برای انجام تحقیقات عمیق و علمی در تاریخ اسلام، معتقد است که با توجه به فاصله بسیاری از منابع موجود در این زمینه از معیارهای علمی لازم، نیاز جدی به بررسی و ارزیابی دوباره بسیاری از این منابع آشکار است. وی تبادل معرفت را از پیام‌های اصلی اسلام و رمز پویایی فرهنگ و تمدن می‌داند و، بر آن است که درک درست تاریخ اسلام نیز نیازمند فراهم آمدن بستری مناسب برای تبادل معرفت‌های گوناگون در این زمینه و تصحیح بدفهمی‌ها و اصلاح گزارش‌های نادرست است. اما واپسین مبحث این بخش به افاضات دکتر محمود مهدوی دامغانی، در باب فضایل امام علی (ع) و معرفی محققانه شرح برجسته ابن ابی‌الحدید معتزلی بر نهج البلاغه و مقام تاریخی نویسنده آن اختصاص یافته است. در این گفتگو استاد مهدوی دامغانی که خود از مترجمان برجسته منابع تاریخ اسلام و از جمله بخش‌هایی از شرح بیست جلدی ابن ابی‌الحدید بر نهج البلاغه، می‌باشد، نخست با ذکر روایاتی از منابع اصیلی چون طبقات ابن سعد، المعیار و الموازنه اسکافی، اخبار الطوال و غیره برخی